



آیا ریسک کردن در زندگی کار درستی است؟!

آیا به کارهای پرمخاطره مثل رانندگی بی پروا و دوستی با غریبه‌ها بدون این‌که آنها را شناخته باشید یا آن دسته خطرهایی که سالانه موجب مرگ بسیاری شده است، دست می‌زنید؟

آیا به کارهای پرمخاطره مثل رانندگی بی پروا و دوستی با غریبه‌ها بدون این‌که آنها را شناخته باشید یا آن دسته خطرهایی که سالانه موجب مرگ بسیاری شده است، دست می‌زنید؟

افراد بسیاری هستند که از این نوع خطرات استقبال می‌کنند. آنها فقط به لذتی که از این اعمال می‌برند، فکر می‌کنند و اهمیتی به عواقبش نمی‌دهند. این ویژگی که هویت افراد اهل خطر است «شور طلبی» نامیده می‌شود. خطر کردن هدف اصلی این افراد نیست. آنها در جستجوی تجربه‌های مختلف و کسب احساساتی ناشی از تنوع، تازگی و پیچیدگی هستند و برای رسیدن به این تجربیات دست به خطرات فیزیکی، اجتماعی، حقوقی و مالی می‌زنند. خطر کردن بخش اصلی هویتشان است. برخی از این افراد به دنبال ماجراجویی هستند و دست به کارهای هیجان انگیز و خطرناک می‌زنند.

به طور مثال، سراغ ورزش‌های بسیار سخت یا غیرمعمول مانند موج سواری، پرش از آبشار، صخره نوردی و ورزش‌هایی از این دست می‌روند و برخی دیگر فقط قصد تجربه موضوعات تازه را دارند و برخی دیگر می‌خواهند با ممنوعیت‌های وضع شده در جامعه شان بجنگند و به دنبال نقض قوانین برای رسیدن به هیجان ناشی از آن هستند اما بعضی افراد فقط برای فرار از ملال و کسالت خطر می‌کنند.

خطر کردن بخشی از زندگی روزمره ما انسان‌ها از لحظه تکامل مان است. اگر در آن روزها اجدادمان قدرت خطر کردن نداشتند، هرگز نمی‌توانستند به بقای خود ادامه دهند و نسل انسان منقرض می‌شد. این توانایی بشر موجب شده او به جامعه پیچیده امروزی دست یابد. دورانی که انسان علاوه بر تداوم حیات به موهبت‌های دیگری چون عشق، پول و قدرت نیز دست یافته است.

وقتی از خطر کردن صحبت می‌شود، سرعت احتمال صدمات جبران ناپذیر به ذهن مان می‌آید، اما ریسک پذیری دو جنبه مثبت و منفی دارد؛ برخی رفتارهای پرمخاطره انسان، نشان دهنده ضعف او و نبود توانایی انطباقش با معیارهای جامعه است که ریسک مخرب محسوب می‌شود. فعالیت‌های مجرمانه، اعتیاد و خشونت از جمله اعمالی است که معمولاً فرد خود را به خطر می‌اندازد، اما تنها نتیجه‌ای که به دست می‌آورد تخریب جسم و روح و روانش است و با این نوع اعمال، خود را به تباهی می‌کشانند. بعضی مواقع هم فرد به دلیل خشم و نفرتی که از وضعیت خود دارد، دست به نابودی خود از طریق انجام دادن این گونه خطرات می‌زند، اما از طرفی نوعی خطر کردن خوب هم وجود دارد. این نوع خطر کردن نه تنها برای تک افراد، بلکه برای کل جامعه بسیار سازنده است؛ مثلاً سرمایه‌گذاری در سطح کلان ممکن است نوعی خطر کردن باشد، اما احتمال این که با خود پیشرفت و نوآوری به همراه داشته باشد، بسیار زیاد است. حتی گاهی اوقات برای به نتیجه خوب رساندن موردی از روش‌های آزمون و خطا استفاده می‌کنیم و با خطر کردن، برخی روش‌هایی را که از نتایج آن چندان آگاهی نداریم امتحان می‌کنیم و به این ترتیب به دانش مان می‌افزاییم؛ درست مانند فعالیت دانشمندان درباره آزمایش‌هایی که انجام می‌دهند.

به استقبال خطر بروید

بسیاری از مردم به دلایل مختلف جرات خطر کردن ندارند. برخی از آنها تحمل هیچ نوع شکستی را ندارند. برخی دیگر از تغییر و بیرون آمدن از منطقه آرامش شان می‌ترسند و به زندگی یکنواخت خود ادامه می‌دهند. افرادی هم اعتماد به نفس کافی ندارند و می‌ترسند از سوی اطرافیان‌شان طرد شوند، اما خطر کردن به منظور سازندگی نه تنها ویژگی مخربی نیست، بلکه باعث می‌شود فرد به سمت سازندگی و رشد پیش برود؛ بنابراین از خطرهای سازنده استقبال کنید، زیرا:

1- فرصت‌های پیش‌بینی نشده اغلب با خطر کردن پیش می‌آید:

ما همیشه به مقوله خطر بدبینانه نگاه می‌کنیم و معتقدیم هر نوع خطر کردنی احمقانه و دردسرساز است، اما نباید فراموش کنیم گاهی اوقات با روش‌ها و فرصت‌هایی مواجه می‌شویم که پیش از خطر کردن هرگز آنها را نمی‌شناختیم. بنابراین بعضی

مواقع باید شهادت به خرج دهیم و تجربه ای نو کسب کنیم.

2 - با خطر کردن، اعتماد به نفس فرد بالا می رود و توانایی مقابله با مشکلات را خواهد یافت:

وقتی خطر کنید و به امکانات تازه دست یابید، اعتماد به نفس تان بیش از پیش بالا می رود و این حس که همیشه و در هر کاری پیروز هستید، در شما تقویت می شود و همچنین متوجه می شوید کاری که فکرش را نمی کردید بتوانید انجام دهید، از عهده اش برمی آید. معمولاً کسانی که عهده دار رهبری و هدایت دیگران هستند ریسک پذیر هم هستند.

3- از خطر کردن، آگاهی های تازه کسب می شود:

گاهی اوقات وقتی کاری را با روش متفاوتی انجام می دهیم، به دانش و آگاهی تازه ای دست پیدا می کنیم. این دانش تازه می تواند باعث رشد و بالندگی مان شود. همچنین نسبت به توانایی خود اطلاعات بهتری پیدا می کنیم.

4- باید به دنبال موفقیت رفت:

در کنار کسب مهارت و لیاقت فردی برای موفق شدن؛ باید قدم های موثر به جلو برداشت و گاهی این قدم ها با خطر همراه است، اما فرد با خطر کردن به مرور می آموزد بدرستی تصمیم بگیرد و در کارهایش موفقیت بیشتری کسب کند.

5- اگر همیشه به دنبال امنیت باشید، به رویاهایتان دست نمی یابید:

برای این که رویاها را به حقیقت تبدیل کرد، گاهی باید دست به ریسک زد و خطر از دست دادن چیزی را به جان خرید. کسانی که همیشه یک کار و روش را دنبال می کنند، نمی توانند به خواست واقعی شان دست یابند.

6 - خطر کردن، ترس از شکست را از میان برمی دارد:

ترسیدن از احتمال ضرر باعث می شود فرد قدمی به جلو برندارد و این هراس و وحشت او را از مواهب زندگی باز می دارد و زندگی چندان شاد و لذتبخش نخواهد داشت، اما اگر قبول خطر کرده دست به کاری نو بزند و این روش را باز هم تکرار کند، به تدریج شهادت جای ترس از شکست را می گیرد. درضمن او متوجه می شود شکست الزاماً پایان موفقیت نیست، بلکه معمولاً آغاز راهی تازه به سوی آن است.

7 - خطر کردن نوعی لذت به همراه دارد:

قبول کنید یا خیر، خطر به جان خریدن با خود نوعی هیجان و لذت به دنبال دارد. زندگی را از یکنواختی و تکراری بودن درمی آورد و حس تلاش و فعالیت را در فرد زنده نگه می دارد.

8- خطر کردن به مفهوم بی گذار به آب زدن نیست:

اگرچه خطر کردن، منافع شخصی و حرفه ای با خود به همراه دارد، اما قرار نیست خود را بدون هیچ علم و آگاهی به دل خطر بیندازیم و توقع پیروزی داشته باشیم. افرادی که قبل از دست زدن به هر اقدامی، خود را آماده می کنند و دانش لازم را کسب می کنند و حتی عواقب احتمال شکست و اقدامات بعدی را بررسی می کنند، می توانند از خطر کردن منفعت کسب کنند. پس مراقب باشید بدون مطالعه خود را گرفتار نکنید.

زن ها، ریسک پذیرتر هستند یا مرد ها

تحقیقات مشخص کرده است مرد ها بیش از زن ها به خطر کردن تمایل نشان می دهند. مرد ها وقتی تحت فشار روحی و اضطراب قرار می گیرند، بیش از زن ها خطر می کنند و برعکس در موقعیت های نگران کننده زن ها تاحد امکان از خطر کردن اجتناب می کنند و محتاط تر می شوند و به همین دلیل وقتی مرد و زن در موقعیت های استرس آور کنار هم باشند، با کمک یکدیگر هوشمندانه تر عمل می کنند.

بنا به گفته محققان، تفاوت رفتاری زن ها و مرد ها ژنتیک و ناشی از تکامل و بقای انسان است. مردهای دوران انسان های

اولیه برای تامین غذای خانواده مجبور به شکار بودند و زن ها نیز با رفتارهای محتاطانه و هوشیارانه باید خانواده را کنار یکدیگر حفظ می کردند.

همچنین زن ها هنگام تصمیم گیری درباره یک موضوع، دو برابر مردها دقت و تفکر می کنند. این مساله در تصمیم گیری های طولانی مدت مانند ازدواج خود را بهتر نشان می دهد. زن ها هنگام ازدواج بیشتر مراقب هستند و می اندیشند در حالی که مردها روش های هوسی و ماجراجویانه را به کار می بندند.

hoffingtonpost / مترجم: نادیا زکالوند